

## چگونگی نقش آفرینی زنان درباری در حکومت آل مظفر

جمشید نوروزی<sup>۱</sup>/مژگان صادقی فرد<sup>۲</sup>

### چکیده

جایگاه اجتماعی زنان و چگونگی نقش آفرینی آنها در طول تاریخ ایران، متأثر از اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مذهبی این سرزمین، تغییر و تحولاتی داشته است. با استقرار ترکان و سپس مغولان در جایگاه حکمرانی ایران، تحت تأثیر سنن قبیله‌ای و شیوه‌های زندگی این اقوام و نیز موقعیت برجسته برخی زنان درباری آنان، شرایط و فرصت بیشتری برای حضور زنان فراهم گردید. با گذر زمان و افزایش تأثیرپذیری ایلخانان مغول از فرهنگ و مذهب ایرانیان و نیز اندیشه سیاسی دیرینه و عمدتاً مردسالار ایران، فعالیت‌های زنان درباری بیش از امور سیاسی به امور اجتماعی و فرهنگی کشیده شد. این تغییر شکل نقش آفرینی زنان درباری، همانند دیگر میراث‌ها، به برخی حکومت‌های محلی پساایلخانی رسید که بنیان و حکمرانان آنها بیش از ایلخانان متأخر در دامن فرهنگ ایرانی تربیت یافته بودند. تبیین وضعیت زنان درباری و چگونگی نقش آفرینی آنان در حکومت محلی آل مظفر (۷۱۳-۷۹۵ ق/۱۳۱۴-۱۳۹۳ م)، با استفاده از رویکرد تاریخی و روش توصیفی تحلیلی، هدف اصلی این پژوهش است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زنان درباری آل مظفر تحت تأثیر عواملی چون ماهیت حکومت آل مظفر و فرهنگ دیوانسالاری ایرانی، بیشتر در پس پرده سیاست به ایفای نقش پرداختند. زنان درباری این حکومت، به‌رغم برخی فعالیت‌های سیاسی چون نیابت چند روزه حکومت برخی از شهرها و تحریک گاه‌گاه شاهان و شاهزادگان مظفری در منازعات سیاسی و نظامی، بیشتر در پشت پرده سیاست مشغول به فعالیت شدند و به اعمال نفوذ در تصمیمات و اقدامات شخصیت‌های سیاسی و نیز اجرای برخی امور عام‌المنفعه مانند احداث مساجد و مدارس پرداختند.  
واژگان کلیدی: زنان درباری، آل مظفر، قدرت سیاسی، خیانت، امور عام‌المنفعه.

## Role Playing Factuality of Court Women in Al-Muzaffar government

Jamshed Norozi<sup>1</sup>/Mozhgan Sadeghifard<sup>4</sup>

### Abstract

Under the affect of the political, social, cultural and religious situation of Iran, the social position of women and their role playing has undergone changes and developments throughout the history of Iran. Over the course of time and because of the increasing influence of Iranian cultural and religious factors on the Mongol ilkhans, as well as the ancient and mostly patriarchal political thought of Iran, the role playing of court women was passed over to social and cultural domains rather than the mere politics. Likened to any other heritages, this role playing deformation of court women extended to some post-Ilkhan local rules, whose founders and rulers were more educated in the Iranian culture than the later Ilkhans. Employing historical approach and descriptive-analytical method, this research is mainly aimed at explaining the position of court women and factuality of their role playing in the local rule of Al-Muzaffar (1291-1373AD). Findings of research demonstrate that Al-Muzaffar court women under the influence of factors including the nature of Al-Muzaffar rule and the Iranian traditional bureaucracy, mostly played a role behind the political scenes. In spite of some political activities, such as the several-day vicarious ruling of some cities and the occasional incitement of Mozaffari kings and princes in political and military conflicts, the court women in the mentioned era were more active behind the political scenes influencing decisions and actions related to prominent political figures as well as getting involved in building public utility affairs including building mosques and schools.

Keywords: court women, Al-Muzaffar, political power, betrayal, public utility affairs.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور. \* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲ \* تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۸

۲. دانش آموخته دوره دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام.

3. Associated Professor of the Department of History, Payam-e Noor University: njamshid1346@gmail.com.

4. PhD Graduate of History of Iran, Payam-e Noor: mozhgan.sadeghifard@yahoo.com.

## مقدمه

اهمیت دادن به زنان و فراهم ساختن زمینه حضور و نقش آفرینی آنان در عرصه سیاست و اجتماع، از ملاک‌های ارزیابی رشد متوازن و همه‌جانبه فرهنگ و تمدن و نیز از عوامل ترقی یک کشور محسوب می‌شود. به دلیل نوع تاریخ‌نگاری‌های قرون گذشته که عمدتاً مردسالار و با تمرکز بر تاریخ سیاسی و نظامی بوده است، بررسی وضعیت زنان درباری و نیز ردیابی تغییر و تحولات صورت گرفته در جایگاه اجتماعی آنان در قرون مختلف تقریباً دشوار و گاه ناممکن به نظر می‌رسد. در فرازهایی از تاریخ ایران باستان زنان درباری به طور مقطعی در مسائل سیاسی تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. چنانکه تنی چند از زنان درباری ساسانی چون پوراندخت (۶۳۰م) و آذرمدخت (۶۳۱م) برای مدت کوتاهی پادشاهی کردند. در قرون نخستین اسلامی نیز با وجود برخی موانع برای حضور سیاسی زنان در امور حکمرانی، بعضی از آنان توانستند پا به عرصه سیاست و حکومت بگذارند. برای نمونه می‌توان از سیده خاتون، همسر فخرالدوله دیلمی (حک: ۳۶۵-۳۸۷ق/۹۷۵-۹۹۷م)، یاد کرد که بعد از مرگ همسرش، مدتی به‌عنوان نیابت سلطنت به اداره امور حکومتی بخشی از قلمرو آل بویه پرداخت.<sup>۱</sup>

با ورود عنصر ترک و مغول به ایران و تشکیل حکومت‌هایی مانند سلجوقی، خوارزمشاهی و ایلخانی، به تدریج وضعیت حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ایران زمین دچار دگردیسی بسیار شد. زنان ترک و مغول در جامعه ایلی خود و در غیاب مردانشان که به شکار یا جنگ می‌رفتند، جایگاه و کارکرد مهمی در تأمین معیشت و اداره خانواده و قبیله خود داشتند. به‌واسطه این پیشینه، با تشکیل حکومت‌هایی مبتنی بر حمایت ایلی برخی قبایل ترک و مغول، زنان درباری نیز به صاحبان قدرت و نفوذ تبدیل شدند و به ایفای نقش در صحنه سیاست و حکومت پرداختند. در میان حکومت‌های ترک حاکم بر ایران، نفوذ و آزادی زنان دربار غزنوی نسبت به دیگر سلسله‌های ترک و مغول کمتر بود. این امر متأثر از عواملی مانند عدم آمادگی جامعه ایران در دوره اسلامی برای پذیرا شدن نقش زن به‌عنوان حاکم، تعصب مذهبی شدید سلاطین اولیه غزنوی و تظاهر آنها به حفظ دین اسلام، غلبه فضای جنگی و نفوذ زیاد نظامیان غلام‌تبار بود.<sup>۲</sup> از زمان سلجوقیان که به تدریج زمینه تنزل سنن قبیله‌ای ترکان و تأثیرپذیری آنها از فرهنگ ایرانی افزون‌تر گردید و سلجوقیان نیز تظاهر و تعصب مذهبی حکومت غزنوی را نداشتند، زنان بیش از گذشته از پس پرده به در آمدند و برای تصاحب قدرت و مقام گام برداشتند.<sup>۳</sup>

پس از حکومت سلجوقی، در زمان حکومت اتابکان بر ایالات ایران و سپس خوارزمشاهیان، قدرت و

۱. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص ۴۲۱.

۲. شیرین بیانی، هشت مقاله در زمینه تاریخ (تهران: نشر توس، ۱۳۵۲)، ص ۱۴۹-۱۷۵.

۳. آن لمبتون، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشر نی، ۱۳۷۲)، ص ۲۸۲-۲۹۲.

شوکت زنان درباری افزایش چشمگیری یافت. از نمونه‌های بارز نقش آفرینی فوق‌العاده زنان در عرصه سیاست و اجتماع در این دوره می‌توان به فعالیت‌های ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه، اشاره کرد که ظاهراً همپای پسرش در بسیاری از امور نفوذ و دخالت داشت و حتی به نوعی در زمینه‌سازی حمله مغولان و پیروزی آنان سهیم بود. با این حال، مقام و اهمیت زنان درباری در عصر مغول با هیچ یک از ادوار گذشته قابل مقایسه نیست و آن را باید دوره‌ای خاص دانست.

خواتین مغول در دوره حکومت مستقیم مغولان بر ایران و نیز در بخشی از ایام حکومت ایلخانی، به تبعیت از زنان دربار قآن‌های بزرگ چون زن اوگتای قآن که به نیابت سلطنت قآن رسید، از نفوذ و جایگاه سیاسی بالایی برخوردار شدند. چنانکه ابن بطوطه در سفرنامه خود از مقام رفیع زن نزد مغول سخن می‌گوید و مرسوم بوده بالای فرامین پادشاهی چنین بنویسند: «به فرمان سلاطین و خواتین، هر یک از خاتون‌ها شهرها و ولایت‌هایی را با عواید فراوان در دست دارند و در مسافرت با سلطان می‌روند و اردوی هر خاتونی جداست.»<sup>۱</sup> همچنین هر یک از همسران بزرگ ایلخانان عنوان خاتون داشتند و در فرامین و مکاتبات دارای لقبی مانند مهداعلی، مهدعلیا، عصمه‌الدین، صفوه‌الدینا و الدین بودند.<sup>۲</sup> به این ترتیب، زنان درباری که تا آن زمان عمدتاً به صورت غیرمستقیم در صحنه سیاست و جامعه فعالیت داشتند، بی‌باکانه و مستقیماً وارد عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی شدند. به بیان دیگر، این مغول‌ها بودند که سنت قدرت یافتن زنان درباری و نفوذ آنان در امور مختلف را برای ملل تحت تابعیت خود به ارمان آوردند و گرچه چگونگی انتقال این سنت و استقبال از آن به فرهنگ و نظام اجتماعی هر منطقه بستگی داشت، به سبب قدرت و استحکام آن، تا حد بسیاری به مناطق مختلف تحت امر مغولان از جمله ایران تحمیل شد.<sup>۳</sup>

با وجود این، مغولان و ایلخانان حاضر در ایران به‌مرور مقهور فرهنگ دیوانسالاری قدرتمند ایرانی و فرهنگ جامعه مردسالار ایران شدند که عمدتاً می‌پسندید زنان در پشت پرده سیاست و در حرمسراها باشند و در قدرت که موهبتی الهی و خاص فرمانرواست، دخالت نکنند. فرهنگ دیوانسالاری دیرینه ایران به حاکم که ترجیحاً مرد بود، قداستی خاص بخشیده و قدرت را در دست او متمرکز کرده بود. نوشته نخبوانی، به‌عنوان یکی از رجال دیوانی ایلخانان مسلمان و اوایل دوران آل جلالیه، تأییدی است بر این مدعا: «خدایوند از آن جهت تکفل مهمان جهانیان را در قبضه قدرت و شوکت پادشاهان دیندار و ملوک معدلت شعار واگذار کرده... او تنها کسی است که استعداد و توانایی این کار را داشته.»<sup>۴</sup> بنابراین، با

۱. ابن بطوطه، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱ (تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۶)، ص ۲۸۰.

۲. شیرین بیانی، *زن در ایران عصر مغول* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷)، ص ۸۷.

۳. همان، ص ۱۴۸.

۴. محمد بن هندوشاه نخبوانی، *دستورالکتاب فی تعیین المراتب*، به اهتمام علی اوغلی‌زاده، ج ۱ (مسکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی،

۱۹۷۱م)، ص ۱۶۸.

غلبه جناح ایرانیان مسلمان بر جناح مغولان در دربار و حکومت ایلخانان و نیز تثبیت هر چه بیشتر فرهنگ دیوانسالاری ایرانی که عقاید دینی پشتوانه آن بود، موقعیت سیاسی زنان درباری مغول متزلزل تر گردید و جایگاه و قدرت آنها بیشتر به پشت پرده سیاست رانده شد.

سؤال اصلی این نوشتار آن است که جایگاه زنان درباری در عهد آل مظفر (۷۱۳-۷۹۵ق/۱۳۱۴-۱۳۹۳م)، از حکومت‌های محلی پسایلخانی، چگونه بود و به چه اشکالی ظهور و بروز یافت؟ مفروض ما در این اثر پژوهشی این است که زنان در دوره مظفری، همچون عهد ایلخانان مسلمان، بیشتر نقش اجتماعی و فرهنگی داشتند. با وجود اینکه بررسی جایگاه زن در حکومت‌های ایران دوره اسلامی، خاصه بعد از حمله مغول، و تبیین چگونگی نقش‌آفرینی آنان ضرورت و اهمیت بسیاری دارد، حضور کم‌رنگ زنان در منابع این دوره و محدود بودن اطلاعات به جوانب سیاسی از موانع پیشبرد پژوهش در این زمینه است. درباره نقش زنان در دوران غزنوی و سلجوقی، و به‌ویژه در عصر مغول، تحقیقات معدودی منتشر شده است. از جمله پژوهش‌های مهم کتاب *زن در ایران عصر مغول* از شیرین بیانی است که به صورت مستقل به توصیف وضعیت زنان در دوره مغول پرداخته است. مقاله «خواتین مغولی و نقش آنان در امور لشکری و کشوری»، نوشته غلامرضا گلی زواره، از دیگر تحقیقاتی است که در جهت شناخت نقش خاتونان مغولی در سرزمین مادری‌شان و ایران انجام شده است. مقاله «نقش ترکان خاتون در شکوفایی تجارت کرمان»، نوشته علی بحرانی، به بررسی اقدامات سیاسی و عمدتاً اقتصادی این خاتون مقتدر سلسله قراختاییان کرمان (۶۱۹-۷۰۶ق/۱۱۲۸-۱۲۱۵م) پرداخته است که در مقطعی به جایگاه نایب‌السلطنگی این سلسله هم رسید. گرچه هر یک از این تحقیقات گوشه‌هایی از جایگاه و نقش زنان در حکومت‌های نزدیک به عهد آل مظفر را بررسی کرده‌اند، تاکنون کتاب یا مقاله مستقلی درباره نقش زنان درباری در حکومت آل مظفر منتشر نشده است.

## ایفای نقش سیاسی نظامی و مداخله در امور حکومت و منازعات قدرت

زنان دربار آل مظفر، نسبت به دوران مغولان و ایلخانان غیرمسلمان، کمتر توانستند در صحنه سیاست به ایفای نقش بپردازند. به عبارت دیگر، دوران آل مظفر از این نظر امتداد روزگار ایلخانان مسلمان به شمار می‌آید. از زنان حاضر در عرصه سیاسی عهد ایلخانان مسلمان می‌توان به حضور کم‌رنگ افراد معدودی چون کردوجین اشاره کرد که ظاهراً در فارس مستقر بود. در عهد ابوسعید ایلخانی به سال ۷۱۹ق/۱۳۱۹م فرمان حکومت فارس به نام «خداوندزاده کردوجین بنت اتابک ابش بنت سعد» صادر شد.<sup>۱</sup> پذیرش شیوه دیوانسالاری کهن ایرانی توسط ایلخانان متأخر و پایبندی نسبی آنان به مبانی دین

۱. ابوالعباس احمد بن زرکوب شیرازی، شیرازنامه، تصحیح بهمن کریمی (تهران: مطبعه روشنایی، ۱۳۵۰)، ص ۹۳.

اسلام، باعث تغییرات مهمی در ادامه دوره ایلخانان گردید. حاکمان مغولان به تدریج از خان مغول به یک سلطان ایرانی اسلامی تبدیل شدند. بیشتر خان‌های مغول طی جلسه‌ای مشورتی انتخاب می‌شدند و مشروعیت می‌یافتند، ولی غازان خان، طبق دیوانسالاری کهن ایرانی، خود را برگزیده خدا می‌دانست و ظاهراً مدعی بود که مشروعیتش را تنها از خدا می‌گیرد. در تاریخ مبارک غازانی چنین آمده است: «و نیز محقق دانید که حق تعالی مرا جهت آن پادشاهی داد، بر سر خلق گماشت تا تدبیر کار ایشان کنم و عدل و سویت میان ایشان نگاه دارم.»<sup>۱</sup> بنا بر این اندیشه سیاسی، سرنوشت زنان نیز نسبت به عهد ایلخانان غیرمسلمان تغییر کرد. به نوشته برخی محققان، ایلخانان مسلمان به موازات پذیرش فرهنگ دیوانسالاری مردانه ایرانی، در جهت کوتاه ساختن دست زنان از امور سیاسی گام برداشتند.<sup>۲</sup> به این ترتیب، زنان مغول در عهد ایلخانان مسلمان، برخلاف آنچه در سرزمین مادری‌شان جریان داشت، با محدودیت‌هایی مواجه شدند و به‌ناچار به ایفای نقش در حرمسرا و پشت پرده سیاست روی آوردند. در دوران آل مظفر، موقعیت اجتماعی زنان درباری با موقعیت زنان وابسته به گروه‌های عادی جامعه متفاوت بود. انتخاب عناوین و القابی چون خاتون، خاتون‌شاه، خان‌زاده، امیرزاده، سلطان‌پادشاه و مخدوم‌شاه نشان از این موقعیت اجتماعی متفاوت دارد. با این حال، در حکومت آل مظفر زمینه کمی برای حضور و تکاپوی زنان درباری در امور سیاسی و حکمرانی فراهم گردید. زنان دربار آل مظفر در موارد اندکی توانستند از پس پرده‌ها برون آیند و برای مدتی کوتاه به اعمال قدرت و نفوذ در صحنه سیاسی و امور حکومتی بپردازند. از این رو، با وجود تمرکز مؤلفان به تاریخ سیاسی و نظامی، اطلاعات اندکی درباره نقش آفرینی زنان درباری آل مظفر در امور اجتماعی و فرهنگی وجود دارد. در ادامه، با توجه به اطلاعات موجود، به نقش آفرینی زنان درباری آل مظفر در چند زمینه می‌پردازیم:

### نقش همسر امیر مبارزالدین محمد در حکومت کرمان

از مشهورترین زنان دربار آل مظفر خان قتلغ مخدوم‌شاه، معروف به والده‌السلطین، دختر سلطان قطب‌الدین شاه جهان از سلاطین قراختایی کرمان و همسر دوم امیر مبارزالدین محمد بود که به دلیل خویشاوندی با خاندان قراختایی توانست از جایگاه قدرت مناسبی برخوردار شود. نخستین نقش سیاسی مهم خان قتلغ در جریان فتح بم به وقوع پیوست که همسرش، امیر مبارزالدین محمد، او را به نایب‌السلطنگی انتخاب کرد. شهر بم در این زمان در دست شخصی به نام اخی شجاع‌الدین بود که در اواخر سلطنت سلطان ابوسعید ایلخان (۷۱۶-۷۳۶ق/۱۳۱۶-۱۳۳۵م) به کوتوالی قلعه بم دست یافته بود.<sup>۳</sup> شجاع‌الدین با استفاده از

۱. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تاریخ مبارک غازانی، مصحح کارل یان (هرتفورد: استفن اوستین، ۱۳۵۸ق)، ص ۱۹۸.

۲. زینب محمدپور، «تأثیر متقابل جوامع ایرانی و مغولی بر وضعیت زنان ایران عصر مغول» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۹)، ص ۱۵۱.

۳. محمود کتبی، تاریخ آل مظفر، محمص عبدالحسین نوایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۴۵.

هرج و مرج ناشی از فوت ابوسعید ایلخان (۷۳۶ق) نرماشیر را تصرف کرده و بر قلمرو قدرت خود افزوده بود. امیر مبارزالدین در سال ۷۴۲ق/۱۳۴۲م همسر خود قتلغ ترکان مخدوم‌شاه را به نیابت خود در گواشیر گذاشت و پسرش شاه شرف‌الدین مظفر را به خدمت خاتون گمارد.<sup>۱</sup>

قدرت سیاسی قتلغ خاتون بعد از مرگ همسرش (۷۵۹ق) از میان نرفت. هنگامی که پهلوان اسد خراسانی از جانب شاه شجاع (حک: ۷۶۱-۷۸۶ق) به حکومت کرمان برگزیده شد، ظاهراً قتلغ خاتون (مادر شاه شجاع) همچنان به عنوان نیابت شاه مظفری به اداره برخی امور مشغول بود. این خاتون به واسطه این جایگاه نه تنها در امور حکومتی دخالت می‌کرد، بلکه گاه مسائل جزئی را بهانه‌ای برای نزاع با پهلوان اسد قرار می‌داد.<sup>۲</sup> از جمله موارد مشهور بروز اختلاف وی با پهلوان اسد زمانی بود که پهلوانی کشتی‌گیر از خراسان به کرمان آمد و با پهلوانی از این دیار کشتی گرفت و مغلوب قهرمان کرمانی شد. مخدوم‌شاه که از این بابت شادمان شده بود، پهلوان کرمانی را خلعت بخشید و دستور داد وی را بر اسبی سوار کنند و گرد بازار و محلات شهر بگردانند. به دنبال این امر، پهلوان اسد نیز مقابله به مثل کرد و پهلوان خراسانی را گرامی داشت. وقتی مخدوم‌شاه این را شنید، متغیر گردید و گفت چه دلیلی دارد کشتی‌گیری را که زمین خورده در محلات گردش دهند! آنگاه به اهل کرمان گفت بروید خراسانیان را بزنید و از بازار برانید. به این ترتیب، میان مردم کرمان و خراسان نزاع روی داد و تعدادی از طرفین کشته و زخمی شدند. سپس مخدوم‌شاه چادر بر سر انداخت و بیرون آمد تا پهلوان اسد و اهل خراسان را مجازات کند. به دنبال آن، پهلوان اسد خزاین و دارایی‌های منقول و غیرمنقول مخدوم‌شاه را مصادره کرد.<sup>۳</sup>

مادر شاه که سال‌ها در امور حکومت کرمان دخالت کرده بود، تلاش کرد برای تلافی اقدام پهلوان اسد از موقعیت فرزندش شاه شجاع استفاده کند. اما با وجود نامه‌نگاری مخدوم‌شاه به شاه شجاع و مطلع ساختن وی از اقدام پهلوان اسد، شاه توجهی به انتظار مادر نکرد. به همین دلیل، مخدوم‌شاه از کرمان خارج گردید و به سیرجان رفت و از آنجا خطاب به پسرش نوشت: «من در کرمان نمی‌نشینم، زیرا پهلوان اسد بی‌آبرویی من را می‌خواهد.»<sup>۴</sup> سرانجام، شاه شجاع تحت تأثیر تحریکات مادر و با اطلاع از خطرناک شدن شورش پهلوان اسد، کرمان را محاصره کرد و بعد از ۹ ماه در پانزدهم رمضان سال ۷۷۶ق/۱۳۷۴م با فتح شهر و کشتن اسد به این غائله خاتمه داد.<sup>۵</sup>

۱. احمدعلی وزیر کرمانی، تاریخ کرمان، تصحیح و تحشیة محمدابراهیم باستانی یاریزی (تهران: علم، ۱۳۸۵)، ص ۴۸۱.

۲. محمد بن سید برهان‌الدین میرخواند، روضه‌الصفاء فی سیرت‌الانبياء، ج ۴ (تهران: خیام، ۱۳۳۹)، ص ۵۳۹.

۳. عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، زبدة‌التواریخ، تصحیح جاج سید جوادی، ج ۱ (تهران: نشر وزارت فرهنگ، ۱۳۸۰)، ص ۴۷۲-۴۸۰؛ عبدالرزاق سمرقندی،

مطلع السعدین و مجمع البحرین، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۲ (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص ۴۶۱.

۴. کتبی، ص ۹۹؛ وزیر کرمانی، ص ۵۲۵.

۵. کتبی، ص ۱۰۳.

## نقش همسر شاه محمود مظفری در منازعات قدرت در شیراز

از دیگر زنان دربار آل مظفر که در مقطعی کوتاه به ایفای نقش سیاسی پرداخت، خان سلطان دختر امیر کیخسرو بن محمود شاه اینجو است. در جریان درگیری شاه محمود، همسر خان سلطان، با برادرش شاه شجاع بر سر تصرف شیراز، افزون بر کمک سپاهیان جلایری به شاه محمود، نام همسر وی مطرح شد. در این زمان، خان سلطان به دو اقدام اساسی دست زد که نشانگر نقش مهم او در اتفاقات سیاسی این دوران است. نخست آنکه در آستانه حمله شاه محمود و سپاهیان سلطان اویس جلایری به شیراز، خان سلطان موفق شد امرای اتباع عمویش امیر شیخ ابواسحاق اینجو را در اطراف شاه محمود جمع کند و شاه شجاع را وادار به ترک شیراز و عزیمت به کرمان نماید.<sup>۱</sup> دومین اقدام خان سلطان به سال ۷۶۶ق/۱۳۶۵م برمی گردد که شاه محمود از ناراضی مردم شیراز از حکومت او و جلایریان و مواضع بزرگان شیراز با شاه شجاع مطلع شد و وحشت زده تصمیم به ترک شیراز گرفت. در این مقطع، خان سلطان اداره شیراز را به عهده داشت و برای سرکشی به اوضاع باروها و اطراف شهر هر روز بدان جا می رفت. حتی یک روز که در میانه راه از اسب افتاد و به یکی از دنده های او آسیب رسید، شکسته بند خواست و پس از بستن پهلو، دوباره سوار شد و به گشت زنی در پیرامون شهر پرداخت.<sup>۲</sup> بعد از آنکه شاه محمود با جمعی از خواص به اصفهان گریخت، خان سلطان ابتدا خواجه صدرالدین اناری، وزیر و صاحب دیوان شاه محمود، را به جرم همکاری با شاه شجاع به قتل رساند و سپس به دنبال شوهر خود راهی اصفهان گردید. به نوشته زبده التواریخ، صدرالدین اناری «علوفات متجنده و لشکریان را کم کرد و این معنی را در صورت کفایت به عرض شاه محمود رسانید.»<sup>۳</sup>

## مشارکت در امور نظامی و جنگی

دیگر زمینه قابل تأمل برای بررسی میزان حضور زنان در امور حکومتی، عرصه نظامی و جنگ است که اکثر حکام به نوعی درگیر آن بوده اند. در دوره مغولان، فرماندهان اغلب زنانشان را همراه خود به جنگ می بردند و آنها لباس رزم می پوشیدند و بدون اینکه بتوان آنان را از مردان تشخیص داد به نبرد می پرداختند.<sup>۴</sup> اما منابع دوران آل مظفر، از شرکت زنان در امور جنگی به موارد معدودی اشاره کرده اند که به برخی از آنها در سطور پیشین اشاره رفت. یکی دیگر از این موارد، آنکه پس از فوت شرف الدین مظفر (۷۱۳ق/۱۳۱۳م)، عده ای از مردم که املاکشان به تصرف او درآمده بود، برای استرداد املاک خود

۱. غیاث الدین خواندمیر، حبیب السیر اخبار فی البشر، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، ج ۳ (تهران: نشر خیام، ۱۳۳۳)، ص ۲۰۳.

۲. ابن شهاب یزیدی، جامع التواریخ حسنی (نسخه خطی)، ص ۵۱۰؛ میرخواند، ج ۴، ص ۵۲۹.

۳. حافظ ابرو، زبده التواریخ، ج ۱، ص ۳۸۵.

۴. بیانی، زن در ایران عصر مغول، ص ۱۰۷.

به خواجه رشیدالدین فضل‌الله که سابقهٔ عداوت با امیر شرف‌الدین مظفر داشت، متوسل شدند. به فرمان خواجه رشیدالدین، مجدداً املاک این امیر مظفری که به فرزندش امیر مبارزالدین محمد رسیده بود، دیوانی اعلام شد. امیر مبارزالدین محمد که در این موقع سیزده ساله بود با پسر عم و شوهر خواهر خود (امیر بدرالدین ابوبکر) و خواهرش برای چاره‌جویی و رفع مشکل متوجه اردوی اولجایتو شد. در مسیر، جماعتی از راهزنان نکودری راه را بر ایشان گرفتند.<sup>۱</sup> با توجه به سن کم امیر مبارزالدین، خواهرش به او قوت قلب داد و به همراه جماعتی از زنان، مثل مردان رشید، دست به اسلحه برد و به دزدان حمله کرد و آنها را متفرق ساخت و جماعتی از آنان را به قتل رسانید و سرهای آنها را همراه خود به اردوی ایلخان برد. اولجایتو امیر مبارزالدین محمد را نوازش نمود و حکومت میبد و وظیفهٔ محافظت از راه‌های اطراف یزد را به او سپرد.<sup>۲</sup>

### برقراری صلح میان شاهان و شاهزادگان

ایجاد صلح بین شاهان و شاهزادگان مظفری از دیگر عرصه‌های ایفای نقش زنان درباری است که مصادیق آن بیش از سایر موارد به نظر می‌رسد. همچنین به نام زنانی برمی‌خوریم که در توطئه‌ها و منازعات رقیبان بر سر قدرت شرکت داشتند و با تحریک برخی از شاهزادگان مظفری، بر روند اتفاقات سیاسی این حکومت تأثیر گذار بودند.

از جمله مصادیق این موضوع می‌توان به نقش شاه‌خاتون، همسر شاه شرف‌الدین مظفر (۷۲۵-۷۵۴ق/۱۳۲۵-۱۳۵۳م)، و مادر شاه یحیی و شاه منصور در رفع جنگ میان امرای مظفری اشاره کرد. پس از کمک شاه یحیی به قیام پهلوان اسد خراسانی، شاه شجاع برادر شاه یحیی، شاه منصور، را برای تنبیه وی به یزد گسیل داشت. در این موقع شاه یحیی از عاقبت خود وحشت کرد و مادر را برای صلح نزد برادر فرستاد. شاه‌خاتون از یزد بیرون آمد و زبان به ملامت شاه منصور گشاد و خطاب به وی گفت آیا تو مادر و خواهر و نزدیکان خود را به دست لشکریان می‌دهی؟ و سپس اظهار داشت مصلحت آن است که با برادر متفق شوی و به اتفاق یکدیگر مملکت را اداره نمایند و به اطراف حمله برید. شاه‌خاتون آنقدر از این نوع سخنان به شاه منصور گفت تا بین برادران صلح اتفاق افتاد.<sup>۳</sup>

بعد از ماجرای وساطت شاه‌خاتون، شاه منصور لشکر را به شیراز فرستاد و به دلیل بی‌میلی شاه یحیی از ماندن وی در یزد و از ترس عدم اجرای دستور شاه شجاع، به مازندران رفت. شاه شجاع بلافاصله پس از اطلاع از این سرپیچی به یزد لشکر کشید. این بار شاه یحیی همسرش را، که دختر شاه شجاع بود، به

۱. کنتی، ص ۳۴.

۲. مؤلف ناشناس، تاریخ شاهای قراختاییان، به اهتمام محمدابراهیم باستانی پاریزی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵)، ص ۶۶.

۳. حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، تصحیح صادق سجادی، ج ۲ (تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵)، ص ۲۴۷.



همراه خواهر بزرگ شاه و سلطان جهانگیر و جمعی از خویشان برای شفاعت نزد شاه شجاع فرستاد. شاه شجاع نیز او را بخشید و تهدیدش کرد که اگر زین پس حرکت ناپسندی از او سر بزند، انتقام سختی از او خواهد گرفت.<sup>۱</sup> شاه منصور یک بار دیگر در زمان سلطنت خویش به سال ۷۹۴ق/۱۳۹۲م برای سرکوب شاه یحیی به یزد حمله کرد و این بار نیز والده ایشان «در اصلاح ذات البین کوشیده؛ متعاقب، صحایف اوراق به انواع نصایح و التماسات منقوش داشته می فرستاد... با وساطت والده میان ایشان مصالحت مؤید شد.»<sup>۲</sup>

### توطئه چینی برای برکناری رقیبان حکومتی

شرکت زنان درباری در برخی توطئه‌ها به منظور از بین بردن برخی رقیبان و مخالفان، از دیگر عرصه‌های ایفای نقش زنان درباری در امور سیاسی و حکومتی تلقی می‌شود. زنان درباری برای حفظ موقعیت خویش، اغلب پنهانی، دست به این قبیل اقدامات می‌زدند. برای نمونه می‌توان به نقش پررنگ امیرزاده دُرملک، همسر شاه شجاع، در کشتن یکی از امرای مظفری به نام امیر معزالدین اصفهان‌شاه در سال ۷۸۶ق/۱۳۸۴م اشاره کرد. این امیر پس از مرگ شاه شجاع (۷۸۶ق/۱۳۸۴م) در اصفهان قدرت زیادی یافته بود و قصد داشت با امیرزاده دُرملک ازدواج کند و فرزند او سلطان مهدی را بر تخت سلطنت نشاند. آنگاه، جواهرات و آلات و ادوات سلطنتی را که نزد دُرملک بود تصاحب کند و خود امور را به دست گیرد. حافظ ابرو در این باره می‌نویسد: «و امیرزاده دُرملک که حرم محترم شاه شجاع بود، شاه یحیی را به پوشیدگی به شیراز دعوت کرد و کتابتی کرده در راه به دست سلطان زین‌العابدین افتاد.»<sup>۳</sup> همچنین دُرملک همسر امیر معزالدین اصفهان‌شاه (ساتیق/سالیق) را تحریک کرد تا شوهرش را به قتل برساند. سرانجام، ساتیق که از خویشان دُرملک بود و از قصد شوهر برای ازدواج با دُرملک عصبانی بود، تحت تأثیر این تحریکات، با همکاری خواجه صندل شربت‌دار، همسرش را زهر داد و به قتل رساند.<sup>۴</sup>

### زنان درباری و ازدواج‌های سیاسی

ازدواج‌های سیاسی یکی از بیشترین و معمولی‌ترین راه‌های ورود زنان به عالم سیاست و اعمال نفوذ آنان بوده است. گاهی زنان با ازدواج سیاسی، علاوه بر راه‌یابی به دربار، می‌توانستند در انتقال قدرت مؤثر باشند. در ازدواج‌های سیاسی، بیش از توجه به نیازهای عاطفی و روحی طرفین و ملاحظه شباهت‌های اخلاقی و فکری زن و مرد، به منافع و پیامدهای سیاسی و اقتصادی اندیشیده می‌شد که از رهگذر چنین وصلتی

۱. کتبی، ص ۱۰۵-۱۰۷.

۲. حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، ص ۲۹۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۶۶.

۴. همان، ص ۶۱۶-۶۱۷.

می‌گردید.<sup>۱</sup> بیشترین ازدواج‌های امرای مظفری ابتدا با خاتونان ترک و مغول و سپس با زنانی از خاندان آل مظفر و در نهایت با زنانی از ملوک همجوار و تاجیکان بود. به این ترتیب، ازدواج‌های سیاسی در دوران حاکمیت آل مظفر، از نظر شکلی، به دو دسته برون‌خاندانی و درون‌خاندانی تقسیم می‌شود. این ازدواج‌ها براساس مصالح و مقتضیات روز و برای دستیابی به اهدافی چون فراهم نمودن بسترهای سیاسی و اجتماعی برای کسب قدرت و مشروعیت‌بخشی، تداوم حکومت، ایجاد صلح، اتحاد برای مقابله با دشمن مشترک، افزودن به ثروت و دست‌اندازی به سرزمین‌های همجوار صورت می‌گرفت. بخشی از ازدواج‌های برون‌خاندانی شاهان و حکام آل مظفر (۷۱۳-۷۹۵ق/۱۳۱۴-۱۳۹۳م) پیوند با دخترانی از حکومت‌های محلی قراختیایان کرمان (۶۱۹-۷۰۴ق/۱۲۲۳-۱۳۰۵م)، آل اینجو (۷۲۵-۷۵۴ق/۱۳۲۵-۱۳۵۳م)، آل جلایر (۷۴۰-۸۳۵ق/۱۳۴۰-۱۴۳۲م) و اتابکان لر بزرگ (۵۵۰-۸۲۷ق/۱۱۵۵-۱۴۲۴م) بود (بنگرید به: جدول آخر مقاله). ازدواج‌های سلاطین مظفری با دختران حکام و خوانین اغلب برای دست‌اندازی به سرزمین آنها بود. همچنین برقراری این همبستگی‌ها باعث می‌شد از جانب ملوک همجوارشان تا حدی آسوده‌خاطر شوند.

### ازدواج با قراختیایان کرمان

از مهم‌ترین این ازدواج‌ها پیوند امیر مبارزالدین، مؤسس سلسله آل مظفر، با خان قتلغ، دختر قطب‌الدین شاه جهان قراختایی، بود که در سال ۷۲۹ق انجام شد. امیر مبارزالدین محمد بعد از این ازدواج بر قلمرو خویش بیفزود و حکومت کرمان را از خاندان قراختایی به خانواده خود منتقل ساخت. افزون بر این، احتمالاً از این ازدواج سیاسی در جهت کسب وجهه بیشتر استفاده کرد تا نقیصه نداشتن پیشینه مناسب برای سلطنت را جبران نماید. جایگاه این زن درباری در اثر مورخ مورد حمایت آل مظفر این‌گونه انعکاس یافته است: «مخدوم‌شاه والده السلاطین که در صدف دریای شاهی و مقصد عنایات الهی است، یگانه جهان در عصمت و عفاف... آنکه از بام تا شام اوقات شریفش مستغرق انواع طاعات و از شام تا صبح روزگار عزیزش مستوعب [= مستغرق] انواع طاعات...»<sup>۲</sup> از این زن فرزندی چون شاه شجاع (حک: ۷۵۹-۷۸۶ق/۱۳۵۸-۱۳۸۴م)، شاه قطب‌الدین محمود (حک: ۷۵۹-۷۷۶ق/۱۳۵۸-۱۳۷۴م) و عمادالدین احمد (حک: ۷۸۶-۷۹۵ق/۱۳۸۴-۱۳۹۳م) متولد شد.<sup>۳</sup> در بررسی دلایل ذکر عنوان سلطان یا شاه قبل از اسامی شاهزادگان مظفری که به سلطنت نرسیده‌اند (چون سلطان اویس بن شاه شجاع، سلطان ابواسحق بن سلطان اویس، سلطان بایزید بن امیر مبارزالدین محمد، سلطان محمد پسر شاه

۱. پاتریشیا کرون، جامعه‌های ماقبل صنعتی، کالبدشکافی جهان مدرن پیشامدرن، ترجمه مسعود جعفری (تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۶)، ص ۲۰۰.

۲. معین‌الدین معلم یزدی، مواهب الهی، مقدمه و تصحیح سعید نفیسی (تهران: نشر آقبال، ۱۳۲۶)، ص ۷۷-۷۶.

۳. محمد مفید مستوفی بافقی، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار (تهران: اساطیر، ۱۳۸۵)، ص ۱۰۲.

یحیی، سلطان مهدی پسر شاه شجاع، سلطان غضنفر پسر شاه منصور، باید رسیدن نسب آنها از طرف مادر به قوم قراختایی مد نظر قرار گیرد.<sup>۱</sup> شاید به دلیل این نسب است که حافظ در مدح شاه شجاع از وی به عنوان «شاه ترکان» یاد می‌کند.<sup>۲</sup>

## ازدواج با آل جلایر

درخواست ازدواج دو برادر مظفری (شاه شجاع و شاه محمود) با خاندان آل جلایر نمونه دیگری از توسل به ازدواج‌های سیاسی برای غلبه بر حریف در ستیزهای خانوادگی و استفاده از حمایت همسایگان است. این پیشنهادها در شرایطی طرح شدند که آل جلایر و آل مظفر بر سر مالکیت مناطق غربی و مرکزی و شمال غربی ایران با هم در جنگ بودند. لذا تقاضای شاه محمود برای وصلت با خاندان جلایری نه از سر صمیمیت و اخلاص، بلکه به خاطر طمع به سرزمین آنان و کسب حمایتشان بود.

رقابت و منازعه شاه شجاع با برادرش شاه محمود بر سر ازدواج با برخی دختران وابسته به دیگر حکمرانان بازتاب زیادی در منابع یافته است؛ نخست، ازدواج شاه محمود با خان سلطان اینجو و سپس، خواستگاری بی‌نتیجه شاه شجاع از دُوندی (تاندو)، دختر سلطان اویس جلایری. سمرقندی درباره هدف شاه شجاع از این خواستگاری می‌نویسد: «شاه شجاع خواست که کریمه‌ای از خاندان سلطان اویس به شرف هم‌پستری در عقد نکاح آورد، تا من بعد مواد فتنه منقطع و اسباب نزاع مرتفع گردد و برادر در مقام اطاعت راسخ باشد و مملکت فارس و عراق و آذربایجان از حرکت لشکر و قهر خلاصی یابد.»<sup>۳</sup> بنابراین، امیر اختیارالدین حسن قورچی را برای خواستگاری رهسپار دربار جلایریان کرد. شاه محمود نیز که در این موقع حاکم اصفهان بود، وقتی از ماجرا مطلع شد، خواجه تاج‌الدین مشیزی را برای این مهم روانه کرد. سفیر شاه محمود نه تنها نظر سلطان اویس را جلب نمود، بلکه پیشنهاد ازدواج سلطان اویس با یکی از دختران آل مظفر را مطرح کرد.

ظاهراً دلیل ناکامی شاه شجاع در خواستگاری دوندی جلایری به متن مکاتبات دو برادر برمی‌گردد. نامه شاه محمود در طرح خواستگاری سراسر اظهار اطاعت و بندگی به سلطان اویس بود. حتی شرط کرد که عراق و آنچه در تصرف دارد به «سجل حاکم امور شرع، به نام مهد اعلی دُوندی نماید.»<sup>۴</sup> اما در مکتوب شاه شجاع به سلطان اویس به نحوی صحبت شده بود که دو نفر هم‌شأن یکدیگر به نظر آیند. سلطان اویس با پذیرش درخواست شاه محمود که خود را بنده چاکر خوانده و وعده داده بود سند همه

۱. حافظ ابرو، زبده‌التواریخ، ج ۳، ص ۷۵.

۲. قاسم غنی، تاریخ عصر حافظ (بحث در آثار و افکار و احوال حافظ)، مقدمه از محمد قزوینی (تهران: نشر هرمس، ۱۳۸۶)، ص ۱۸۸.

۳. عبدالرزاق سمرقندی، ج ۱، ص ۴۱۷.

۴. حافظ ابرو، زبده‌التواریخ، ج ۱، ص ۴۳۵.

ممالک عراق را به نام شاهزاده خانم جلایری بزند، می‌توانست زمینه‌های تصرف فارس را فراهم نماید. لذا سلطان اویس در جوابیه به شاه شجاع نوشت: «در کتابت از مقام سلطنت و نخوت تنزل نکرده و این ضعیف را برادر خوانده... من دختر به برادر مشتاق نمی‌دهم، به بنده چاکر می‌دهم.»<sup>۱</sup> در نهایت، دُندی‌خاتون را با تجمّل و تشریفات زیاد به اصفهان آوردند. سلمان ساوجی، شاعر دربار جلایری، با سرودن قصیده‌ای این ازدواج را تبریک گفت:<sup>۲</sup>

آسمان ساخت در آفاق یکی سور و چه سور  
که از آن سور شد اطراف ممالک مسرور  
اجتماعی است منور قمری را با شمس  
اتصالی است مقرر ملکی را با حور...  
قطب دین، شاه فلک مرتبه، محمود، که اوست  
به همه سیرت محمود و محامد مذکور

سلطان اویس، همراه دخترش، تعداد قابل ملاحظه‌ای سپاه به اصفهان فرستاد. شاه محمود با دیدن این نیروها، به قصد غلبه بر شاه شجاع و تصرف دوباره شیراز، لشکر کشی کرد که البته نتیجه‌ای حاصل نشد.<sup>۳</sup> با وجود شکست شاه شجاع در خواستگاری از خانواده جلایری، وی از تلاش بازماند و سرانجام توانست دلشادخاتون، دختر دیگر سلطان اویس، را به ازدواج پسرش سلطان زین‌العابدین درآورد که از این ازدواج سلطان معتصم متولد شد.<sup>۴</sup> این ازدواج می‌توانست زمینه حمایت خاندان جلایری از سلطان زین‌العابدین را در رقابت برای جانشینی پدر فراهم کند.

### ازدواج با اتابکان لرستان

دیگر ازدواج برون‌خاندانی آل مظفر، ازدواج همراه با زور شاه شجاع در آخرین سال‌های زندگی‌اش (متوفی ۷۸۶ق/۱۳۸۴م) با دختر عزالدین اتابک لرستان است. این دختر نامزد سلطان احمد جلایر بود و ابتدا اتابک عزالدین با این ازدواج مخالفت ورزید. شاه شجاع از شنیدن این خبر آنقدر خشمگین شد که برای شروع جنگ عازم قلمرو اتابک شد. سرانجام ملک عزالدین چون دید فتنه بالا می‌گیرد، با این وصلت موافقت کرد. آنگاه، شاه شجاع از مولانا اسدالدین انسی درخواست کرد تا بلافاصله عقد نکاح را منعقد گرداند. سپس در شب دیگر «هودج» دختر را بیرون آوردند و به این ترتیب، به سرعت ازدواج به سرانجام رسید.<sup>۵</sup>

۱. عبدالرزاق سمرقندی، ج ۱، ص ۴۱۲.

۲. سلمان ساوجی، دیوان سلمان ساوجی، مقدمه و تصحیح ابوالقاسم حالت (تهران: نشریات ما، ۱۳۷۱)، ص ۵۱.

۳. کتبی، ص ۱۰۵.

۴. همان، ص ۹۶.

۵. حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، ص ۲۵۳.

## ازدواج با آل اینجو

حکام مظفري دو مرتبه با خاندان آل اینجو وصلت کردند. اول بار، بعد از آنکه شیراز به تصرف امیر مبارالدین محمد درآمد و او اتباع و خویشان شیخ ابواسحاق را اسیر نمود، با دختری به نام خانزاده بدیع‌الجمال ازدواج کرد. این دختر که ظاهراً از خویشان شیخ ابواسحاق اینجو بود، محبوبه و سوگلی امیر مبارزالدین محمد و مادر سلطان بایزید مظفري گردید. نام کتاب تألیفی طیب شاه شجاع (علی بن الحسین الانصاری مشهور به حاجی زین عطار)، *اختیارات بدیعی*، مأخوذ از نام بدیع‌الجمال است. بار دوم وصلت مظفریان با آل اینجو، به ازدواج شاه محمود مظفري با خان سلطان، دختر امیر کیخسرو شاه بن محمد شاه اینجو، انجامید.<sup>۱</sup>

## ازدواج با طوایف اوغان و جرما

از دیگر ازدواج‌های سیاسی برون‌خاندانی که امیران و سلاطین آل مظفر از همان اول مورد توجه قرار دادند، ازدواج با مغولان «اوغان و جرما» بود. این طوایف پرجمعیت و قدرتمند در عهد ایلخانان با حمله به مناطق یزد و کرمان و فارس، امنیت منطقه را به مخاطره انداختند. مظفریان نیز در طول حاکمیتشان، در تلاش برای برقراری امنیت راه‌ها و استقرار نظم و امنیت قلمرو خود، بارها با مغولان اوغان و جرما و مغولان نکودری به زد و خورد پرداختند. یکی از راهکارهای حاکمان مظفري برای مصون ماندن از خطر این طوایف و استفاده از نیروی آنان برای مقاصد سیاسی و نظامی خود، تلاش برای دوستی با این قبایل و کنترل آنها از طریق ازدواج بود. از جمله این ازدواج‌ها می‌توان به ازدواج امیر شرف‌الدین مظفر با دختر یکی از امرای هزاره اشاره کرد که مؤسس سلسله آل مظفر (امیر مبارزالدین محمد) نتیجه این ازدواج بود. همچنین مادر قتلغ‌خاتون، همسر امیر مبارزالدین محمد، از همین قبایل بود. شاه شجاع مظفري هم دختر امیر سیورغتمش اوغانی را برای خود خواستگاری نمود. سلطان قطب‌الدین اويس، مظفرالدین، سلطان معزالدین جهانگیر و دختری به نام سلطان‌پادشاه حاصل این ازدواج شاه شجاع هستند.<sup>۲</sup>

## ازدواج با تیموریان

دیگر ازدواج سیاسی با اهمیت خاندان آل مظفر، پیوند یکی از دختران شاه شجاع با نوه امیر تیمور گورکانی است. در هنگام فتح ترشیز توسط تیمور، سفیر شاه شجاع، به نام عمر شاه، برای عرض ارادت و تقدیم مکتوبی حاکی از اظهار بندگی به خدمت تیمور صاحبقران رسید. امیر تیمور ضمن دادن خلعت به عمر شاه، خواهان ازدواج نوه‌اش با دختر شاه مظفري گردید: «مخدره پرده عصمت را جهت فرزند ارجمند

۱. کتبی، صص ۹۶ و ۱۵۴.

۲. همان، ص ۷۰.

امیرزاده پیر محمد پسر امیرزاده جهانگیر خواستاری نماید تا اساس مودت به قرابت و مصاهرت مؤکد گردد... در اوایل سنهٔ خمس و ثمانین و سبعمائه (۷۸۵ق/۱۳۸۳م) دختر را به سمرقند آوردند و شادی‌ها کردند.<sup>۱</sup> شاه شجاع که توان مقابله با تیمور را نداشت، با این وصلت راه مدارا و دوستی را با امیر تیمور در پیش گرفت.

### ازدواج‌های درون‌خاندانی

ازدواج‌های درون‌خاندانی نوع دیگری از پیوندهای سیاسی مد نظر امرای مظفری بود. گرچه بیشتر این ازدواج‌ها برای جلوگیری از طغیان‌های مکرر شاهزادگان آل مظفر صورت می‌گرفت، به نظر می‌رسد برخی دامادها به اتکای این ازدواج‌ها به شورش مکرر روی می‌آوردند. برای نمونه، می‌توان به ازدواج دو دختر شاه شجاع با برادرزادگانش اشاره کرد. شاه سلطان، دختر بزرگ، به ازدواج شاه یحیی حاکم یزد درآمد. وی ضمن شورش‌های مکرر، چند بار همسرش را واسطهٔ طلب بخشش از شاه شجاع قرار داد.<sup>۲</sup> دختر دیگر شاه شجاع به ازدواج شاه منصور درآمد که وی نیز گهگاه برخلاف نظرات شاه مظفری رفتار می‌نمود. شاه منصور که در شوشتر مستقر بود، زمانی از همسرش برای دستگیری برادرزنش سلطان زین‌العابدین سوءاستفاده کرد و اموال و خزاین برادرزن را تصرف نمود.<sup>۳</sup>

شاهان مظفری، چون امیر مبارزالدین محمد و شاه شجاع، که با گرفتاری‌ها و جنگ‌های فراوان داخلی و خارجی مواجه بودند، با این ازدواج‌ها به دنبال تقویت صلح و انسجام درون‌خاندانی بودند تا با آسودگی خیال به رفع مشکلات و گسترش قلمرو بپردازند. اما آنچه پس از مرگ شاه شجاع، یعنی در نه سال پایانی حکومت آل مظفر، اتفاق افتاد، آشکار ساخت که هیچ کدام از این وصلت‌ها و عاقبت‌اندیشی‌ها گره‌گشای موانع دوام و قوام سلسلهٔ مظفریان نبوده است و سرانجام، منازعات داخلی این حکومت آنقدر تشدید شد که به راحتی توسط امیر تیمور از میان رفت.

### تأثیر اوضاع زمانه بر اخلاقیات زنان درباری و گرایش به دسیسه‌چینی و خیانت

تاریخ سیاسی قرن هشتم هجری در نگاه نخست، به دلایلی چون ویرانگری‌های فراوان مغولان و منازعات مستمر مدعیان قدرت پساایلخانی، چیزی جز جنگ‌های متعدد و درگیری‌های مدام بر سر قدرت و قلمرو به نظر نمی‌رسد. زندگی اجتماعی مردم در این دورهٔ پرتلاطم با گرفتاری‌های فراوان روبه‌رو بود که اسباب نگرانی آنان را از جهات مختلف فراهم می‌کرد. این اوضاع نابه‌سامان سیاسی و اجتماعی و

۱. عبدالرزاق سمرقندی، ج ۲، ص ۲.

۲. کتبی، ص ۹۴ و ۱۰۵.

۳. همان، ص ۱۲۶.

اقتصادی در چگونگی اخلاق فردی و اجتماعی و میزان پابندی گروه‌های مختلف به ارزش‌های جامعه اثرگذار بود. به این ترتیب، در قرن هشتم هجری، فقر و تباهی و فساد در اندیشه و رفتار بسیاری از آحاد مردم اثر گذاشت و انحطاط اخلاقی رو به ترقی نهاد. گسترش بی‌عفتی از جمله معضلاتی بود که از خواص تا عوام را در بر گرفته بود. با توجه به گستردگی و عمق رویدادهای ناگوار، مردم سرخورده در جست‌وجوی یافتن محملی برای تسکین روحی خویش یا به جریان‌های تصوف گرایش پیدا کردند و یا به فساد گراییدند. این فساد هم در سطح عمومی و هم بین طبقات بالا و به‌ویژه در دربار وجود داشت. تباهی، حرص و طمع، دسیسه‌چینی، خودفروشی، زنا، غلبه شهوات و مادیات بر فضیلت، اختناق و فروپاشی فکری و اخلاقی از خصایص بارز این دوره از تاریخ ایران است.

به مدد آثار نقادانه عبید زاکانی و اشعار خواجه حافظ شیرازی فهم وضعیت اخلاقی زنان در عصر فترت چندان سخت نیست. یکی از مضامین عمده حکایات رساله دلگشای عبید زاکانی، زن و روابط او در اجتماع است. هوس‌بازی، عقب‌ماندگی فکری، حرص و زیاده‌خواهی و بی‌عفتی از جمله صفاتی است که در این حکایات به زنان نسبت داده می‌شود. افزون بر این، عبید زاکانی در رساله اخلاق/الاشراف خاطر نشان می‌سازد که «ابنای زمان» به اصولی چون «حکمت»، «شجاعت»، «عفت»، «عدالت»، «سخاوت»، «حلم و وفا» و «حیا و صدق» به‌عنوان امری کهنه و قاعده‌ای منسوخ می‌نگرند؛ و تمام فضائل جای خود را به ردائل داده‌اند و بدی‌ها جانشین نیکی‌ها شده است.<sup>۲</sup> حافظ نیز در کنار ذکر خصوصیات پسندیده‌ای برای زنان دوران خویش، همچون زیبایی، شیرین‌زبانی، برتری و بی‌مانندی، مایه قرار و آرامش بودن و پاک‌دلی، به برخی صفات منفی آنان اشاره می‌کند که نمودهای این قبیل صفات را در بعضی زنان درباری آل مظفر می‌بینیم. رهنز دل و دین، توجه به مال و ثروت، غرور، عدم تعهد و بی‌قیدی، بی‌اعتمادی و بی‌وفایی، سنگدلی و بی‌مهری از ویژگی‌هایی است که حافظ به زنان زمانه خویش نسبت می‌دهد.<sup>۳</sup> یکی از زنان درباری عصر حافظ که به بدنامی شهره گردید، تاشی‌خاتون، مادر شیخ ابواسحاق اینجو، بود که سرانجام به خاطر رفتارهای غیراخلاقی‌اش به دست همین فرزندش به قتل رسید.<sup>۴</sup>

برخی از زنان دربار آل مظفر، با سوءاستفاده از موقعیت خود و تحت تأثیر خصوصیات اخلاقی حاکم بر جامعه، به رفتارهای غیراخلاقی گراییده و به بدنامی در منابع یاد شده‌اند. از جمله این زنان درباری

۱. عبیدالله زاکانی، کلیات عبید زاکانی، تصحیح عباس اقبال، شرح پرویز اتابکی (تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۳)، ص ۲۵۳.

۲. همان، مقدمه ص ۱۹.

۳. شمس‌الدین محمد حافظ، دیوان حافظ از نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی (تهران: نشر علی، ۱۳۸۵)، ص ۳۲۶-۳۲۵؛ زینب یزدانی، «زن و شعر»، کتاب ماه و ادبیات، س ۲، ش ۱۹ (۱۳۸۷)، ص ۲۹۱.

۴. احمد بن حسین کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار (تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۷)، ص ۱۲۸.

که در برخی از منابع آل مظفر به خیانت متهم شده، خان سلطان همسر شاه محمود مظفری است که ظاهراً تلاش کرد برای گرفتن انتقام خاندانش (آل اینجو) از امیر مبارزالدین محمد از موقعیت و نفوذ خود استفاده کند. او ایجاد جنگ خانگی بین اعضای آل مظفر را وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف خود قرار داد. پس با فرستادن مکتوبی به شاه شجاع، ضمن اظهار علاقه و محبت و هواخواهی، به او وعده داد که در صورت لشکرکشی، اصفهان را به او می‌سپرد و شاه محمود را تحویل می‌دهد. به نوشته صاحب تاریخ آل مظفر، خان سلطان می‌خواست «به جهت انتقام عمّ خود، امیر شیخ و خویشان خود، مظفریان را از بین بردارد... تحریک شاه شجاع به استخلاص عراق می‌کرد و دائماً مکاتبات می‌آمد و می‌رفت.»<sup>۱</sup> اما شاه شجاع که عجز برادرش محمود را می‌دید، اجرای خواسته خان سلطان و جنگ را به تعویق می‌انداخت. پس از این ماجرا، خان سلطان حیلۀ دیگری به کار گرفت. چون از شاه محمود صاحب فرزندی نبود، پسر کنیز خود را پس از نه ماه نمایش بارداری، به جای پسر خود و شاه محمود معرفی کرد. بعد از آنکه مکاتبه‌ای در این خصوص به دست شاه محمود افتاد، وی دستور خفه کردن همسرش با زه کمان و سوزاندن جسدش را صادر نمود. آنگاه ایلچینانی به تبریز روانه کرد و شاهزاده دوندی‌خاتون، دختر سلطان اويس جلایری، را خواستگاری کرد و با لشکری انبوه به اصفهان آورد.<sup>۲</sup> برخی منابع، ضمن انکار سوزاندن جسد به دستور شاه محمود، آورده‌اند که او بعد از خفه کردن خان سلطان، سخت پشیمان شد و شب و روز بی‌تابی می‌کرد و خود را می‌خراشید. به همین خاطر، همسر جدیدش «دوندی‌خاتون...» از فرط حسد و غضب، روزی بدون اطلاع شاه محمود، خان سلطان را از خاک بیرون آورد و آتش زد.<sup>۳</sup> نمونه مشهور دیگر از رفتار غیراخلاقی و همراه با دسیسه و خیانت زنان درباری آل مظفر مربوط به «بیگی» زن پهلوان اسد حاکم کرمان است. وی در جریان قیام همسرش (۷۷۶ق/۱۳۷۴م)، بر اثر تحریکات امرای مظفری و به امید ازدواج با شاه شجاع و زندگی در دربار شیراز، به همسرش خیانت کرد و راه را برای کشته شدن پهلوان اسد هموار نمود. شاه شجاع در جریان این رویداد به همسر پهلوان اسد نامه‌ای نوشت با این مضمون:

کاتب سطور شاه شجاع بن محمد، قول و شرط عهد می‌کند و بر خود واجب می‌داند... او را به انواع کرامت نوازش مخصوص گردانم و در عقد رعایت و حرم حمایت خود جای دهم و از جمله خواتین خاص و معتبر باشد و هر التماس که داشته باشد، مبذول افتد و خویشان و نزدیکان او را تربیت‌های بسیار نمایم... هذا خطی و عهدی.<sup>۴</sup>

۱. کتبی، صص ۹۶-۹۷.

۲. معین‌الدین نطنزی، منتخب‌التواریخ معینی، به اهتمام پروین استخری (تهران: اساطیر، ۱۳۸۳)، ص ۱۵.

۳. کتبی، پاورقی ص ۱۶۰.

۴. عبدالرزاق سمرقندی، ج ۲، ص ۴۶۷.



طبق قرار و به راهنمایی همسر پهلوان اسد، عده‌ای از کسان پهلوان علی‌شاه از راه نقب حمام قلعه به درون قلعه آمدند و پهلوان اسد را که خیال حمام رفتن داشت، دستگیر کردند و به قتل رسانیدند.<sup>۱</sup> البته از عدم پایبندی شاه شجاع به اخلاقیات و روابط مذموم وی با زنان، روایت مشهور دیگری نیز هست؛ شاه شجاع نه فقط پدر را کور و زندانی کرد، بلکه با یکی از زنان پدر رابطه غیراخلاقی داشت.<sup>۲</sup> این امر مذموم مشهور که شاه شجاع هم انکارش نکرد، دستاویز به دست رقبش سلطان اویس جلایر داد تا به مذمت وی بپردازد.<sup>۳</sup> بعد از مرگ شاه شجاع، زن درباری دیگری که به خیانت روی آورد، ساتیق (سالیق) همسر امیر معزالدین حاکم اصفهان بود. ساتیق، به همراهی امیرزاده درملک، همسر شاه شجاع، زمینه مسمویت و قتل همسرش را فراهم نمود.<sup>۴</sup>

## مشارکت زنان درباری در امور عمرانی و آبادانی

شاهان آل مظفر، زنان دربار، عمال دولت و صاحبان ثروت در عین مواجهه با آشوب‌های سیاسی این دوران، بناهایی چند از قلعه و ارگ، مسجد، حمام و کاروانسرا و دارالسیاده در شهرهای یزد، کرمان، فارس، اصفهان و خوزستان ساختند. برای برخی از این بناها موقوفاتی از اراضی زراعتی و باغ و بازار معین کردند که منبع درآمدی برای تأمین مخارج آنها باشد.<sup>۵</sup> بناهای عمرانی دوره آل مظفر را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: نخست، بناهای مذهبی مثل مساجد، مدارس، مقبره‌ها، خانقاه‌ها و گنبدها. دوم، بناهای غیرمذهبی مانند بازارها، حمام‌ها، کاروانسراها، پل‌ها و آب‌انبارها. ساخت این قبیل بناها نشان از آن دارد که این دودمان به دلایلی چون کسب مشروعیت و مقبولیت عامه، دغدغه آبادانی داشتند.

در قرن هشتم هجری، بیشتر بنیانگذاران مدارس از فرمانروایان ثروتمند و شاهزاده‌خانم‌ها و قاضی‌القضات‌ها بودند. آنان باید صاحب مزارع وسیع و اوقاف فراوان می‌بودند تا از عهده هزینه‌های احداث مدرسه، تأمین شهریه، کارمزد مدرسین و تهیه نسخه‌های خطی گرانبها برمی‌آمدند. در این روزگار، به واسطه دفن برخی از اشخاص صاحب‌نام در مدارس، بعضی از این اماکن جنبه زیارتگاهی هم پیدا کرد.<sup>۶</sup> در این قرن حدود یک‌صد مدرسه، دویست گنبدخانه و خانقاه و دوازده مسجد در شهر یزد بنا شد.<sup>۷</sup> از فراوانی مدارس که در این زمان در شهرهای یزد، میبد، کرمان، شیراز و سایر شهرها بنا شد، می‌توان به میزان توجه و

۱. کتبی، ص ۱۰۲.

۲. عبدالحسین زرین کوب، *از کوچه زندان* (تهران: سخن، ۱۳۹۴)، صص ۳۸ و ۱۱۱.

۳. دولتشاه سمرقندی، *تذکره الشعراء*، به اهتمام ادوارد براون (تهران: اساطیر، ۱۳۸۲)، ص ۳۰۱؛ رضاقلی خان هدایت، *مجمع الفصحاح*، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲)، ص ۳۸.

۴. حافظ ابرو، *زیندات‌التواریخ*، ج ۱، ص ۶۱۶.

۵. کتبی، ص ۶۶؛ جعفر بن محمد جعفری، *تاریخ یزد*، محقق و مصحح ایرج افشار (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳)، ص ۵۰-۵۱.

۶. جان لیمبرت، *شیراز در روزگار حافظ*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده (شیراز: دانشنامه فارس، ۱۳۸۷)، ص ۷۷.

۷. عبدالحسین آیتی، *تاریخ یزد* (یزد: گلپهار یزد، ۱۳۱۷)، ص ۱۴۱.

اهتمام مردم به تحصیل علم، خاصه علوم مذهبی، پی برد.<sup>۱</sup> در کنار مساجد و مدارس، دارالسیاده یکی دیگر از مکان‌های مذهبی بود که در دوره آل مظفر برای آموزش احداث می‌شد. از جمله دارالسیاده‌هایی در کرمان، شیراز و یزد ساخته شدند.<sup>۲</sup>

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، تغییر جایگاه سیاسی زنان خاندان آل مظفر نسبت به خاتونان مغول، آنان را به فعالیت‌های دیگری سوق داد. طبق مندرجات منابع، زنان درباری آل مظفر نقش مؤثری در آبادانی و ساخت بناهای عام‌المنفعه به‌ویژه مدارس، مساجد، خانقاه، قنات، آب انبار، باغ و همچنین عمارت مقبره برای خود و اطرافیان داشتند. انگیزه بیشتر زنان مسلمان دربار مظفری علاوه بر جلب نظر عامه، کسب ثواب اخروی نیز بوده است. ابنیه و آثاری که زنان مظفری از خود به جای گذاشته‌اند، بیشتر در شهر یزد متمرکز شده‌اند که این نشان‌دهنده توجه آنان به این شهر و نیز فضای مذهبی آن است. به احتمال فراوان، خاتونان در عصر شاه یحیی مظفری، حاکم یزد، قدرت عمل و حوزه نفوذ بسیاری داشتند و این امر باعث آبادی یزد شد.

از جمله زنان درباری فعال در امور عمرانی در عهد آل مظفر، می‌توان به دختران امیر مبارزالدین یعنی خان‌زاده خاتون و مخدوم‌زاده خاتون اشاره نمود که قنات ترکان‌آباد را در یزد جاری ساختند.<sup>۳</sup> خان‌زاده خاتون در موضع «سرآب نو» یزد، افزون بر ساخت مدرسه و کتابخانه‌ای در نزدیکی مزار شیخ تقی‌الدین دادامحمد، قبه‌ای عالی برای مدفن خود و فرزندانش بنا کرد.<sup>۴</sup> همچنین موقوفات عظیمی از باغات و اراضی برای بقعه خود قرار داد.<sup>۵</sup>

دیگر زن فعال در امور احداث بناها، شاه‌خاتون مادر شاه یحیی و شاه منصور است. وی بانی مدرسه خاتونیه است که در سال ۷۸۷ق/۱۳۸۵م به اتمام رسید. همچنین باغی وسیع و بادگیری احداث و عمارات بسیاری به مجموعه بناهای یزد اضافه کرد. شاه‌خاتون و بعضی از اولاد آل مظفر در مدرسه خاتونیه مدفون‌اند.<sup>۶</sup> پس از قتل امرای مظفری توسط تیمور در قمشه اصفهان، شاه‌خاتون جنازه شاه یحیی و فرزندش سلطان جهانگیر را به یزد منتقل کرد و در مدرسه خاتونیه به خاک سپرد.<sup>۷</sup> افزون بر این، شاه‌خاتون بازاری در کنار مسجد جمعه شهر مشتمل بر چهل دکان ساخت و چهل حجره بر بالای آن نهاد که به «بازار خاتون» مشهور گشت.<sup>۸</sup>

۱. اکرم سرآبادانی تفرشی، «نظری بر دستاوردهای فرهنگی و تمدنی آل مظفر»، نامه تاریخ‌پژوهان، ش ۲۲ (تابستان ۱۳۸۹)، ص ۹۶.  
۲. معلم یزدی، ص ۲۰۹.

۳. مستوفی بافقی، ج ۱، ص ۱۲۱.

۴. جعفری، ص ۵۴-۵۵.

۵. مستوفی بافقی، ج ۱، ص ۱۲۱.

۶. جعفری، ص ۵۵ و ۱۰۶؛ کاتب یزدی، ص ۱۲۵.

۷. مستوفی بافقی، ج ۳، ص ۶۵۷.

۸. کاتب یزدی، ص ۸۲.

## نتیجه‌گیری

زنان درباری سلسله‌های حکومتی ایران در دوره اسلامی، تا قبل از حضور ترکان و مغولان در جایگاه حکمرانی ایران، به دلایلی چون ویژگی‌های شخصیتی حکمرانان که تقریباً همگی مرد بودند، اندیشه سیاسی و اعتقادات مذهبی حکام و نیز فرهنگ دیوانسالاری کهن ایرانی، بیشتر اهل ستر محسوب می‌شدند و نقش‌چندانی در امور سیاسی و حکومتی نداشتند. در دوره حکومت برخی سلسله‌های ترک‌تبار، چون سلجوقیان و خوارزمشاهیان، شماری از زنان درباری، مانند ترکان خاتون مادر سلطان محمد خوارزمشاه، به نقش‌آفرینی در امور سیاسی و حکومتی روی آوردند. در دوره حکومت مغولان و ایلخانان غیرمسلمان بر ایران زمین، با توجه به فرهنگ و سنت‌های مغولان، زنان درباری از آزادی عمل بیشتری برخوردار شدند و نقش مهمی در عرصه‌های سیاسی و حکومتی و نیز اجتماعی و فرهنگی ایفا کردند. بعد از تغییر گرایش دینی ایلخانان و تأثیرپذیری فزون‌تر آنان از فرهنگ و اندیشه سیاسی ایران و نیز تلاش آنها برای اجرای ضوابط اسلامی در جامعه، از یک سو موقعیت زنان درباری مغول از حیث آزادی‌های بی‌قید و شرط و نیز نفوذ وافر در صحنه سیاست به کاستی گرایید و از سوی دیگر نقش آنان در امور فرهنگی و اجتماعی پررنگ‌تر شد.

این تغییر شکل نقش‌آفرینی زنان درباری در صحنه سیاست و اجتماع در عهد ایلخانان مسلمان، همانند برخی میراث‌های دیگر آنان، به بعضی حکومت‌های محلی پساایلخانی رسید که بانیان و حکمرانان آنها بسیار بیشتر از ایلخانان متأخر در دامن فرهنگ ایرانی اسلامی تربیت یافته بودند. تأسیس حکومت آل مظفر توسط شخصیتی که به تعصب دینی شهره بود و چهل و شش سال (۷۱۳-۷۵۹ق/۱۳۱۴-۱۳۵۸م) با اقتدار حکمرانی کرد، و نیز حضور دیرینه و عمیق مظاهر مختلف فرهنگ ایرانی اسلامی در ارکان جامعه و قلمرو مظفریان از جمله دلایلی بود که موجب شد میزان نقش‌آفرینی زنان درباری آل مظفر در عرصه قدرت و سیاست بسیار کمتر از عهد مغولان و ایلخانان باشد. زنان درباری در عهد مظفریان (۷۱۳-۷۹۵ق/۱۳۱۴-۱۳۹۳م)، به استثنای چند مورد کم‌شمار و مقطعی، به پشت پرده سیاست رانده شدند. گذشته از نقش‌آفرینی تنی چند از زنان درباری در امور سیاسی و حکومتی که توانستند بر عملکرد شخصیت‌های سیاسی آل مظفر تأثیر بگذارند، به نظر می‌رسد عمده زنان درباری مظفریان به آبادانی و کارهای عام‌المنفعه روی آوردند. با این حال، به دلیل تمرکز منابع تاریخی آل مظفر بر تاریخ سیاسی و نظامی، اکثر مطالب و اطلاعات موجود درباره زنان درباری این سلسله سیاسی است که در ضمن شرح رویدادهای سیاسی و نظامی بیان شده‌اند.

از نقش‌آفرینی محدود زنان این خاندان در برخی رویدادهای سیاسی و حکومتی می‌توان به مواردی چون

نیابت چند روزه حکومت، ترغیب شاهزادگان و شاهان به جنگ با یکدیگر و مشارکت در دسیسه‌چینی برای از بین بردن برخی شخصیت‌ها اشاره کرد. یکی از بیشترین و معمولی‌ترین راه‌های ورود زنان به عالم سیاست و اعمال نفوذ آنان ازدواج‌های سیاسی بود. این امر با اهدافی چون تقویت اتحاد داخلی خاندان مظفری و آسوده خاطر شدن از جانب شاهزادگان طغیان‌گر مظفری، رفع نگرانی از سوی حاکمان ملوک همجوار و یا تسهیل در تصاحب برخی مناطق صورت می‌گرفت. از دیگر وجوه رفتاری و نقش‌آفرینی زنان درباری در این عهد که متأثر از انحطاط اخلاقی آن روزگار بود، گرایش برخی زنان درباری به رفتارهای غیراخلاقی، خیانت و دسیسه‌چینی بود. در مقابل این قبیل زنان درباری که جاه‌طلب بودند و به اصول اخلاقی اعتنائی نداشتند، پاره‌ای از زنان با علایق فرهنگی و مذهبی وجود داشتند که به راه‌اندازی ابواب‌الخیر شهره بودند. این گروه از زنان درباری، به جای فعالیت‌های سیاسی، به اقدامات اجتماعی چون ساخت مساجد، مدارس، بازار و دیگر بناهای عام‌المنفعه و نیز وقف‌گرایش داشتند.

## کتابنامه

- ابن بطوطه. *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۶.
- ابن زرکوب شیرازی، ابوالعباس احمد. *شیرازنامه*، تصحیح بهمن کریمی، تهران: مطبعه روشنائی، ۱۳۵۰.
- ابن شهاب یزدی، تاج‌الدین حسن. *جامع‌التواریخ حسنی*، کتابخانه ملی: نسخه خطی.
- ابن عنبه، جمال‌الدین أحمد بن علی الحسنی. *عمده‌الطالب فی الانساب آل ابی طالب*، تحقیق سید مهدی الرجایی، قم: مکتبه سماحه آیت‌العظمی المرعشی للخرانه العالمیه للمخطوطات الاسلامیه، ۱۴۲۵ق.
- آیتی، عبدالحسین. *تاریخ یزد*، یزد: نشر گلپهار یزد، ۱۳۱۷.
- بیانی، شیرین. *هشت مقاله در زمینه تاریخ*، تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۲.
- \_\_\_\_\_ *تاریخ آل جلایر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- \_\_\_\_\_ *زن در ایران عصر مغول*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
- تاریخ شاهی قراختایان*. به اهتمام و تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. *تاریخ یزد*، محقق و مصحح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. *دیوان حافظ از نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی*، تهران: نشر علی، ۱۳۸۵.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. *جغرافیای حافظ ابرو*، مقدمه و تصحیح و تحقیق صادق سجادی، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
- \_\_\_\_\_ *زنده‌التواریخ*، مصحح حاج سید جوادی، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۸۰.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. *حبیب‌السیر اخبار فی البشر*، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، ج ۳، تهران: نشر خیام، ۱۳۳۳.
- دولت‌شاه سمرقندی. *تذکره الشعرا*، به اهتمام ادوارد براون، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.

- رشیدالدین فضل الله همدانی. تاریخ مبارک غازانی، مصحح کارل یان، هر تفرود: استغن اوستین، ۱۳۵۸ ق.
- زرین کوب، عبدالحسین. از کوچه زندان، تهران: سخن، ۱۳۹۴.
- ساوجی، سلمان. دیوان سلمان ساوجی، با مقدمه و تصحیح ابوالقاسم حالت، تهران: نشریات ما، ۱۳۷۱.
- سرآبادانی تفرشی، اکرم. «نظری بر دستاوردهای فرهنگی و تمدنی آل مظفر»، نامه تاریخ پژوهان، ش ۲۲، ۱۳۸۹.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق. مطلع السعدین و مجمع البحرین، محقق و مصحح عبدالحسین نوایی، ج ۱ و ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- زاکانی، عبیدالله. کلیات عبید زاکانی، تصحیح عباس اقبال، شرح پرویز اتابکی، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۳.
- غنی، قاسم. تاریخ عصر حافظ (بحث در آثار و افکار و احوال حافظ)، مقدمه از محمد قزوینی، تهران: نشر هرمس، ۱۳۸۶.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی. تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- کتبی، محمود. تاریخ آل مظفر، محقق و مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- کرون، پاتریشا. جامعه‌های ماقبل صنعتی، کالبدشکافی جهان مدرن پیشامدرن، ترجمه مسعود جعفری، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۶.
- لمبتون، آن. تلاوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی، ۱۳۷۲.
- لیمبرت، جان. شیراز در روزگار حافظ، ترجمه همایون صنعتی زاده، شیراز: دانشنامه فارس، ۱۳۸۷.
- مستوفی باقی، محمد مفید. جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، ج ۳-۱، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.
- مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- معلم یزدی، معین الدین بن جلال الدین. مواهب الهی، مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال، ۱۳۲۶.
- میرخوانده، محمد بن سید برهان الدین خواندشاه. روضه الصفاء فی سیرت الانبیاء، ج ۴، تهران: خیام، ۱۳۳۹.
- محمدپور، زینب. «تأثیر متقابل جوامع ایرانی و مغولی بر وضعیت زنان ایران عصر مغول»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۹.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه. دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به اهتمام علی اوغلی زاده، ج ۱، مسکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی، ۱۹۷۱ م.
- نطنزی، معین الدین. منتخب التواریخ معینی، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
- وزیری کرمانی، احمدعلی. تاریخ کرمان، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم، ۱۳۸۵.
- هدایت، رضا قلی خان. مجمع الفصحا، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- یزدانی، زینب. «زن و شعر»، کتاب ماه ادبیات، س ۲، ش ۱۹، ۱۳۸۷.

### برخی مشخصات زنان متنفذ دربار آل مظفر<sup>۱</sup>

ردیف	نام زنان	نسبت زنان با امیران و شاهان آل مظفر	توضیحات
۱	خاتون ترک (دختر یکی از امرای هزاره)	همسر امیر شرف‌الدین مظفر	حاصل ازدواج: پسری به نام امیر مبارزالدین محمد، مؤسس سلسله آل مظفر، و یک دختر
۲	خاتون تاجیک	همسر امیر شرف‌الدین مظفر	حاصل ازدواج: یک دختر
۳	بی‌نام	دختر امیر شرف‌الدین مظفر	ازدواج با امیر بدرالدین ابوبکر برادرزاده پدرش حاصل ازدواج: شاه سلطان، امیر مبارزالدین، امیرحاجی و دو دختر
۴	بی‌نام	دختر امیر بدرالدین ابوبکر، برادرزاده امیر شرف‌الدین مظفر	والده همسر سلطان احمد
۵	بی‌نام	دختر امیر بدرالدین ابوبکر	والده امیر غیاث‌الدین محمود بن خواجه قطب‌الدین سلیمان شاه بن محمود بن کمال
۶	بی‌نام	دختر امیر شرف‌الدین مظفر	_____
۷	بی‌نام	خواهر بزرگ امیر مبارزالدین محمد و زوجه امیر بدرالدین ابوبکر	مؤثر در جنگ با افراد مسلح
۸	دختر جمال عمری (اهل کرمان)	همسر اول امیر مبارزالدین محمد مظفری	حاصل ازدواج: شاه شرف‌الدین مظفر و دختری به نام خانزاده سلطان. وی در مدرسه جمال عمری مدفون است.
۹	خان قتلغ خان مخدوم‌شاه بنت قطب‌الدین شاه جهان بن سلطان سیورغتمش قراختایی (خاتون ترک)	همسر دوم امیر مبارزالدین محمد	این خاتون از سمت مادر با مغولان اوغان و جرماً نسبت دارد. حاصل ازدواج: شاه شجاع/شاه محمود/سلطان احمد و یک دختر که همسر جلال‌الدین شاه سلطان بود. خان قتلغ معروف به والده السلاطین بود.

۱. برای آشنایی با اسامی زنان دربار آل مظفر بنگرید به: کتبی، تاریخ آل مظفر؛ حافظ ابرو، زبده‌التواریخ؛ معلم یزدی، مواهب‌الهی؛ ابن شهاب یزدی، جامع‌التواریخ حسنی؛ سمرقندی، مطالع السعدین و مجمع البحرین؛ مستوفی بافقی، جامع مفیدی؛ وزیری کرمانی، تاریخ کرمان.

ردیف	نام زنان	نسبت زنان با امیران و شاهان آل مظفر	توضیحات
۱۰	خانزاده بدیع الجمال (آل اینجو)	همسر سوم امیر مبارزالدین محمد	بدیع الجمال از خویشان شیخ ابواسحاق اینجوست. حاصل ازدواج: سلطان مظفرالدین بایزید نام کتاب حاجی زین عطار علی بن حسین انصاری، طبیب شاه شجاع، یعنی کتاب اختیارات بدیعی، مأخوذ از نام ابن بانو است.
۱۱	خانزاده سلطان (خانزاده خاتون)	دختر امیر مبارزالدین محمد	عمر بسیار یافت و زیارت حرمین نیز نصیبش گردید.
۱۲	شاه خاتون	همسر شاه شرفالدین مظفر بن امیر مبارزالدین محمد	حاصل ازدواج: شاه یحیی/شاه منصور/ شاه علی/شاه حسین و دو دختر.
۱۳	مخدوم شاه	دختر شاه مظفر بن امیر مبارزالدین و شاه خاتون و خواهر شاه یحیی و شاه منصور	در سال ۷۷۰ق تاجالدین مشیزی ابن دختر را به سلطان اویس جلایر برای ازدواج پیشنهاد داد.
۱۴	بی نام (از قبایل اوغان)	همسر اول شاه شجاع و خواهر امیر سیورغتمش اوغانی	حاصل ازدواج: سلطان قطبالدین اویس/ مظفرالدین شبلی/سلطان معزالدین جهانگیر و یک دختر: سلطان پادشاه.
۱۵	خانزاده کاشی (از سادات حسنی)	همسر دوم شاه شجاع و خواهر امیر مظفر کاشی از امرای مظفری	عقد این ازدواج در شیراز توسط مولانای اعظم خوانده شده بود. شرح نسب وی در عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب آمده است. <sup>۱</sup> حاصل ازدواج: سلطان زین العابدین و یک دختر.
۱۶	امیرزاده درملک	همسر سوم شاه شجاع	حاصل ازدواج: سلطان مهدی/عزیزخان/ سلیمان خان
۱۷	سلطان پادشاه	دختر بزرگ شاه شجاع و خواهرزاده امیر سیورغتمش اوغانی	این خاتون به ازدواج شاه یحیی حاکم یزد درآمد.
۱۸	بی نام	دختر شاه شجاع و عروس امیر تیمور	این دختر بنا به دستور امیر تیمور به ازدواج امیرزاده پیرمحمد بن جهانگیر نوه اش درآمد و به سمرقند فرستاده شد.

۱. «و أما الطیفة، فكان له ابتنان، خرجت إیراهی الی السلطان السعید جلال الدین ابی الفوارس شاه شجاع بن محمد المظفر، فولدت له ابنته السلطان زین العابدین المظفری، و كان لها من غیره قبلة اولاد» (جمال الدین احمد بن علی ابن عنبه، عمده الطالب فی الانساب آل ابی طالب، تحقیق سید مهدی الرجایی (قم: مکتبه سماحه آیت العظمی المرعشی للخرزانه العالمیه للمخطوطات الاسلامیه، ۱۳۲۵ق، ص ۲۲۶).

ردیف	نام زنان	نسبت زنان با امیران و شاهان آل مظفر	توضیحات
۱۹	بی‌نام	نامزد مظفرالدین شبلی بن شاه شجاع	این دختر که او را به اجبار به عقد دولتشاه بکاول درآوردند، فرزند جمال‌الدین سلطان و فرزندزاده امیر مبارزالدین محمد بود.
۲۰	خان سلطان (آل اینجو)	همسر شاه محمود مظفری و دختر امیرغیاث‌الدین کیخسرو پسر شرف‌الدین محمود اینجو	مؤثر در سیاست این دوران
۲۱	بی‌نام (لر کوچک)	همسر چهارم شاه شجاع و دختر ملک عزالدین حاکم اتابکان لرستان	این دختر نامزد سلطان احمد جلایر بود که شاه شجاع با تهدید وی را به زنی گرفت.
۲۲	بی‌نام	همسر شاه منصور مظفری دختر شاه شجاع و خانزاده کاشی خواهر سلطان زین‌العابدین مظفری	این دختر به ازدواج شاه منصور مظفری درآمد. حاصل ازدواج: سلطان غضنفر
۲۳	دلشاد خاتون (کوچک) <sup>۱</sup>	دختر سلطان اویس جلایر	او به همسری سلطان زین‌العابدین مظفری درآمد. حاصل ازدواج: سلطان معتمد
۲۴	دُندی (تاندو)	دختر سلطان اویس جلایر	همسر سلطان محمود مظفری است. محمود در رقابت با شاه شجاع توانست موافقت سلطان اویس را برای ازدواج کسب کند.
۲۵	بی‌نام	دختر سلطان احمد	وی همسر سلطان مهدی پسر شاه شجاع است.
۲۶	بی‌نام (زنی مطرب)	همسر عقدی شاه منصور	این زن از ابرقوه آمد و این ازدواج در روزهای آخر سلطنت شاه منصور اتفاق افتاد.
۲۷	بی‌نام	همسر سلطان زین‌العابدین همسر شاه منصور	این زن بعد از طلاق از سلطان زین‌العابدین به عقد شاه منصور درآمد.

۱. دلشاد خاتون بزرگ همسر سابق ابوسعید ایلخان و همسر شیخ حسن بزرگ بود. وی زنی باهوش و زیرک بود که وقتی شیخ حسن به جنگ اشتغال داشت، نقش بسیار مهمی در زندگی و سیاست ایفا نمود. او مادر سلطان اویس جلایر بود. اما دلشاد خاتون کوچک دختر سلطان اویس (شیرین بیانی، تاریخ آل جلایر (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲)، ص ۱۸-۲۰).